

تپش پرونده قتل‌های دامادهای خشمگین را بررسی می‌کند

اما و اگرهای یک سریال تلخ



امیرعلی
حقیقت‌طلب

تپش

سال ۱۴۰۱ بسیار خونبار آغاز شد و دامادهای خشمگین در نقاط مختلف کشور، جنایت‌های مرگباری را رقم زدند. در حالی وارد دومین ماه بهار شدیم که فروردین،

ماه سریال قتل‌های هولناک به دست دامادها بود. نقطه مشترک این سریال، سه جنایت بود که در آن زن قصد جدایی داشت و داماد با این درخواست مخالفت می‌کرد. دامادهای خشمگین که خانواده همسر را مقصر این تصمیم می‌دیدند، برای انتقام با اسلحه خون به پا کردند. ارتکاب دو جنایت توسط دو داماد روز دوشنبه ۱۵ فروردین در بندرگناه و بوشهر و رضوانشهر گیلان، نام این دو شهر را بر سر زبان‌ها انداخت. علت قتل، اختلاف خانوادگی بود که داماد هر دو خانواده با همسر و اعضای خانواده او داشتند. عامل قتل همسر و مادر زن در بندرگناه با شلیک پلیس از پا درآمد و قاتل همسر و برادر زن در رضوانشهر از سوی پلیس دستگیر شد. روزهای پایانی فروردین ماه بود که سومین جنایت هم در ضیاءآباد استان قزوین رقم خورد. در این جنایت هم، داماد قاتل ابتدا به خانه پدری همسرش رفت و پدر و مادر او و همسر خود را به قتل رساند و پس از قتل هم با یک پست اینستاگرامی، علت قتل را خیانت زن اعلام کرد.

وقتی در این پرونده وارد شویم، نکته‌ای که جلب توجه می‌کند دیدگاه مردان به ماجراست. دامادهای جنایتکار، معتقد بودند حالا که همسرشان قصد زندگی با او را ندارد، بهتر است بمیرد تا در آینده با فرد دیگری زیر یک سقف نرود اما پرسشی‌هایی که در این میان مطرح می‌شود، این است که «بزرگان فامیل که تا سال‌های نه‌چندان دور، ستون خانواده‌ها برای حل مشکلات زوجین جوان بودند، چرا حالا در دیدگاه دامادهای قاتل، آتش بیار معرکه شده‌اند؟» یا این که «مشکلات حقوقی برای حل و فصل ماجرا به صورت قانونی، در وقوع این جنایت‌ها نقش داشته است؟» برای واکاوی این جنایت‌های هولناک و رسیدن به پاسخی برای «چرایی این قتل‌ها»، در پرونده اجتماعی این هفته با مرور پرونده‌های مشابه، ابعاد مختلف آن را با حضور دو کارشناس بررسی کرده‌ایم. همچنین در گفت‌وگویی تفصیلی با علی نجفی توانا، حقوق‌دان و استاد دانشگاه به بررسی مباحث حقوقی این اتفاق پرداخته‌ایم و ریشه‌های این جنایت را از نگاه جرم‌شناسی بررسی کرده‌ایم.



از دخالت بی‌جا خسته و عصبانی بودم

در سال‌های گذشته نیز موارد متعددی از جنایت‌های دامادها ثبت و ضبط شده است. ۳۱ شهریور سال ۹۹ بود که مرد جوانی به تراس طبقه چهارم ساختمانی در تهران رفت و فریاد زنان گفت: «من قاتل هستم و به پلیس زنگ بزنید.» خیلی زود، تیمی از ماموران کلانتری به محل اعزام و پس از ورود به ساختمان، با پیکر خون‌آلود دو زن و یک مرد روبه‌رو شدند. داماد خانواده به جرم قتل پدر زن و مادر زن خود دستگیر و همسر جوانش هم به بیمارستان منتقل شد. داماد خانواده در همان صحنه جرم گفت دخالت‌های زیاد خانواده همسر مرا به اینجا رساند.

او در اعترافات خود پرده از اختلافاتی برداشت که در این مدت با همسرش داشت. زن جوان هم پس از دعوا و مشاجره، به جای حل و فصل موضوع، آن را با ریز جزئیات به پدر و مادرش انتقال می‌داد و دخالت‌های آنها نیز آتش اختلافات میان زن و شوهر جوان را برافروخته‌تر می‌کرد. روز حادثه زن جوان به همسرش گفت می‌خواهد دندان‌ش را ایمپلنت کند و از شوهرش پول خواست اما مبلغ درخواستی بالا بود، برای همین مرد جوان تصمیم گرفت از برادر همسرش پول قرض کند. همسرش که عصبانی شده بود، رو به مرد گفت مگر با برادرم ازدواج کرده‌ام که می‌خواهی از او پول بگیری؟ اگر پول نداشتی، چرا زن گرفتی؟ همین باعث شد مرد به خانه بیاید و عصبانی با همسرش درگیر شود. پدر و مادر زنش هم برای وساطت و پایان دادن به این دعوا از طبقه دیگر ساختمان به مقابل خانه دخترشان آمدند که با ضربه‌های چاقوی داماد غرق در خون روی زمین افتادند.

کینه داماد قاتل

مرداد سال ۹۶ هم اهالی خیابان محله‌ای در غرب تهران، شاهد یک جنایت خانوادگی بودند. قاتل کسی نبود جز داماد خانواده. روز حادثه، فردی با پلیس تماس گرفت و گفت یک نزاع خانوادگی در محله‌شان رخ داده است. خیلی طول نکشید که ماموران پلیس آگاهی خود را به محل رساندند و در همان لحظه ورود، با مرد میانسالی چاقو به دست مواجه شدند. محل درگیری داخل خانه بود و در این جنایت، یک زن جوان و یک زن میانسالی به قتل رسیده بودند، مرد میانسالی دیگری نیز به حالت نیمه‌جان روی زمین افتاده بود که به بیمارستان منتقل شد. آن‌طور که قاتل ۴۰ ساله در اعترافات خود گفت، اختلافات و دخالت خانوادگی خانواده همسرش باعث ارتکاب این جنایت شده بود. به گفته او، خانواده همسرش همیشه در زندگی او دخالت می‌کردند و شدت دخالت‌ها به حدی بود که از آنها کینه به دل گرفت. روز قبل از جنایت، همسر مرد قاتل همراه خانواده به مراسم عروسی یکی از اقوامش رفت اما شب به خانه برگشت. داماد میانسالی که از این رفتار همسرش به شدت عصبانی شده بود، صبح روز جنایت به خانه پدرزنش رفت و فرزندش را به خانه خود آورد. سپس دوباره به خانه پدرزنش برگشت و با آنها درگیر شد. بحث بالا گرفت و پس از درگیری لفظی، با چاقو به سمت همسر، مادر زن و پدرزنش حمله و هر سه را با ضربات چاقو زخمی کرد که همسر و مادرزنش جان باختند.